

تحلیلی تاریخی از

موسیقی اسپانیا

۵ - قرن نوزدهم

قرن نوزدهم برای اسپانیا عصر دگرگونیهای بزرگ بود. در زمینه امور نظامی، هجوم ناپلئون و جنگهای داخلی و در امور سیاسی رجعت دوره های استبدادی و بازگشت بوربورن ها و در زمینه موسیقی تسلیم شدن به نفوذ خارجی از اهم وقایع این قرن میباشد.

در دهه اول قرن، موسیقی آوازی يك حالت فولکلوريك بخود گرفت و آوازه های ناحیه آندالوزی بنام پولوا که «مانوئل گارسیا» در ابرت های خود از آنها استفاده کرد بزودی در تمام جهان پخش شدند بطوریکه ژرژ بیزه در تصنیف اپرای کارمن از یکی از این پولوها استفاده کرد. بعلاوه سایر آوازه های محلی از قبیل «بولرو» و «بولرا» نیز بمقدار زیاد چاپ شد و معروفیت پیدا کرد. در میان منصفین این آوازه ها باید از «سباستیان ایرادیر»

نام برد که اثر آوازی او بنام «پالوما» هنوز در رپرتوار مدرن آواز باقی مانده است .

موسیقی سازی در این قرن توسعه زیاد یافت و هنرمندان بزرگی بوجود آمدند . در میان ویولونیست ها باید اول از همه از «خوان دو آریاگا»^۱ نام برد. وی از شاگردان برجسته کنسرواتوار پاریس بود و چند کوارتت تصنیف کرد که هنوز اجرا میشود و بقدری زودرس بود که با لقب «موزار» کوچک داده بودند. اما وی متأسفانه در سن بیست سالگی و بسال ۱۸۲۶ در گذشت. در نیمه دوم قرن، دو ویولونیست بزرگ بوجود آمدند یکی «خسوس - موناستریو» و دیگری «پابلو سارازات». «موناستریو» پس از تحصیل در پاریس، اولین انجمن کوارتت ها را در مادرید تأسیس کرد و علاوه بر رهبری کنسرها و تصنیف آثار مختلف به تعلیم در کنسرواتوار مادرید نیز پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت کرد . پابلو سارازات در سال ۱۸۴۴ بدنیآ آمد و از همان کودکی به فرا گرفتن ویولن پرداخت و بقدری سریع پیشرفت کرد که در هشت سالگی در کنسری در حضور ملکه اسپانیا شرکت جست و ملکه نیز يك ویولن استرادیواریوس عالی بوی هدیه کرد. سارازات سپس تحصیلات خود را در کنسرواتوار پاریس زیر نظر «ویوتان» و ویولونیست بزرگ فرانسوی ادامه داد و بزودی با اجرای کنسر در کشورهای مختلف اروپا شهرت زیادی پیدا کرد و سفری نیز به آمریکا نمود و در کشورهای آمریکای جنوبی موفقیتی افسانه ای بدست آورد . این موفقیت های پی در پی سبب شد که وی دائماً از کشوری به کشور دیگر برای اجرای کنسر سفر کند. چون انگلستان پابلو سارازات نسبتاً کوتاه بود و وی قادر به اجرای برش های وسیع نبود، لذا از نواختن آثار پائینی اجتناب میکرد و در عوض برای اینکه رپرتوار خود را وسعت دهد دست به تصنیف يك رشته آثار که بینهایت زیبا بوده و همگی از موسیقی اسپانیا الهام گرفته است، دست یازید. بعلاوه وی آثار سایر موسیقیدانان را نیز برای ویولن تنظیم نمود. در میان آثار بزرگ وی میتوان از «آهنگهای کولی - اوپوس ۲» و تعدادی رقص اسپانیولی و

«خوتاناوارا» برای دوویولن و غیره نام برد. پابلوسارا ازات در سال ۱۹۰۸ در گذشت.

در میان پیانیست های این قرن دو نفر شایسته‌ی نام بردن هستند. یکی «پدرو آلبنیز» و دیگری «خوان پوخول» که پس از تحصیل در کنسرواتوار پاریس اولی در مادرید و دومی در بارسلون مکاتب خاصی برای پیانو ایجاد کردند و شروع به تعلیم پیانو نمودند.

موسیقی گیتاری نیز در این قرن بکمک تنی چند از استادان ایتالیائی پیشرفت کرد و آثار متعددی بوجود آمد. در میان گیتار نوازان باید از «فرناندو سور» نام برد. نام برده علاوه بر آثار گیتاری روشی جالب نیز برای تعلیم این ساز ایجاد کرد که هنوز مورد استفاده قرار میگیرد.

در نیمه اول این قرن بعلمت نبودن نوازنده خوب، هارپ زیاد رواج نداشت تا اینکه «کلوتیلده تردا» (۱۹۲۵ - ۱۸۶۲) برای اولین بار در سن یازده سالگی تحت نام مستعار «اسمرالداسروانتس» (که ویکتور هوگو آنرا به وی پیشنهاد کرده بود) در نمایشگاه بین المللی وین هارپ نواخت و شهرت فراوانی بدست آورد و در شهرهای دیگر نیز کنسرهائی ترتیب داد. هنگام کنسراو در رم، «فرانتس لیست» نیز حضور داشت و با تعجب گفت «این اولین باری است که من به هارپ واقعی گوش میدهم!» نام برده شاگردان زیادی تربیت کرد که از همه بزرگتر «نیکانور زابالتا» هارپ نواز برجسته معاصر میباشد.

در نیمه اول قرن نوزدهم از آن گسترها فقط برای نمایشات مختلف استفاده میشد و کلمه سنفونی بهر اثر توصیفی اطلاق میگردد. بعداً یک رشته کنسرهائی سنفونیک در قصر سلطنتی تحت توجهات ملکه الیزابل دوم برگزار شد. اما اولین کنسر عمومی توسط «باربیری» در ۱۸۵۹ اجرا گردید. در سال ۱۸۶۶ اولین «انجمن کنسر» در مادرید تأسیس شد که در میان رهبران آن میتوان از «موناستریو»، «سن سان»، «لامورو»، «ونسان دندی» و «ریشار اشتراوس» نام برد. در بارسلون نیز انجمن های کنسر مختلفی تأسیس شد و

این انجمن ها کمک زیادی به اشاعه و پیشرفت موسیقی سازی در خاک اسپانیا نمودند .

از زمانهای پیش موسیقی اسپانیائی نظر موسیقیدانان ممالک دیگر را بخود جلب نموده و الهام بخش آهنگسازان فراوانی بوده است . عده ای از موسیقیدانان شخصاً از اسپانیا بازدید کرده و تحت تأثیر این بازدید آثاری بوجود آورده اند که در این میان میتوان از «میخائیل گلینکا» ، «لیست» ، «گورت» و «شابریه» نام برد .

عده ای از موسیقیدانان نیز توسط کتاب و کنسر با موسیقی اسپانیا آشنا شده اند . و سنفونی اسپانیول برای ویولن و ارکستر اثر «ادوارد لالو» که برای پابلو سارازات نوشته شده و «کاپریس اسپانیول» اثر ریملسکی کرساکف و اپرای کارمن اثر بیزه و ایبیریا اثر دبوسی مثالهای خوبی برای این تأثیر هستند .

موسیقی صحنه ای در جریان این قرن دچار تغییرات زیاد شد . در سالهای اول این قرن اپراهای موسیقیدانان فرانسوی از قبیل «بوالدیو» و «مهول»^۱ بزبان اسپانیائی در مادرید اجرا میشد ، در حالیکه رپر تووار اپراهای ایتالیائی بدست فراموشی سپرده شده بود . موسیقیدان اسپانیائی ، «مانوئل گارسیا» نیز چندین اپرت تصنیف کرد و به اجرا درآورد . پس وی نیز که بنام «مانوئل گارسیا» معروف شد استاد آواز بود و کتاب روش آوازی وی بزبانهای مختلف ترجمه شد و مورد استفاده قرار گرفت .

بعد از ۱۸۱۵ نهضت روسینیسیم (مقصود اپراهای روسینی است) نشانر - های مادرید و بارسلون را در بر گرفت . بعد از آن نوبت نفوذ سایر آهنگسازان ایتالیائی این قرن مانند بلینی و دونیزتی فرا رسید ، و این تأثیر بقدری شدید بود که «ماری کریستین» همسر «فردیناند چهارم» از شدت علاقه به اپرا تصمیم به تأسیس کنسر و اتواری گرفت که بنام وی خوانده شد و نخستین مدیر آن تنور ایتالیائی «پالرمینی» بود . بعد از روسینی و بلینی و دونیزتی و سایر آهنگسازان درجه دوم ، در اواسط قرن ، وردی تأثیر عمیق و غیر قابل انکاری بجای گذارد بطوریکه در اواخر قرن نهضت رئالیستی اپرای ایتالیائی بر سایر

نهضت‌ها پیروز گردید و تئاتر لیریک اسپانیایی را تحت الشعاع خود قرارداد. نهضت اپرایی فرانسوی و آلمانی نیز در این دوره از خود تأثیراتی بجای گذاشتند اما این موضوع خیلی باهستگی و در کمال احتیاط انجام گردید.

نفوذ موسیقی ایتالیایی بسرعت در آثار موسیقیدانان اسپانیایی احساس گردید. از نظر زمانی اول از همه «رامون گارنیر» قرار دارد. نامبرده که در ۱۸۱۸ رهبر ارکستر تئاتر بارسلون شد ابتدا برای اپراهای ایتالیایی اوورتور تصنیف می‌کرد و اجرا می‌نمود و در ضمن اولین اپرای خود در ۱۸۱۹ بروی صحنه آورد و با تصنیف اپراهای دیگر بقدری مشهور شد که بدستور پادشاه وقت اسپانیا به مادرید رفت و تا آخر عمر برهبری ارکستر و تدریس آرمونی در کنسرواتوار مادرید پرداخت.

افتتاح تئاترهای جدید در مادرید و بارسلون و همچنین الغای قانونی که بر طبق آن اپرا باید حتماً بزبان اسپانیایی خوانده شود، سبب شد که از يك طرف خوانندگان بزرگ ایتالیایی در تئاترهای اسپانیا ظاهر شدند و سطح اجرای آثار اپرایی را بالا بردند و از طرف دیگر خوانندگان اسپانیایی نیز در سایر کشورها پراکنده شدند و شهرتی بین‌المللی یافتند.

«نارثوئلا» نیز که از اواخر قرن هفدهم دیگر بندرت اجرا میشد، در اوایل قرن نوزدهم کاملاً در بوته فراموشی افتاد تا اینکه از ۱۸۳۲ به بعد جنبشی تازه برای احیای این فرم هنری خاص اسپانیا بوجود آمد و ابتدا نارثوئلاهای يك پرده‌ای به تعداد زیاد تصنیف و اجرا شد. این آثار بیشتر جنبه تقلید هزل‌آمیز از اپراهای ایتالیایی داشت و این فرم رو به پیشرفت بود تا اینکه در ۱۸۵۱ يك موسیقیدان اسپانیایی بنام «فرانسیسکو باریبیری» با تصنیف «بازی با آتش» در سه پرده نوعی جدید از نارثوئلا ابداع نمود که بنام «نارثوئلاهای بزرگ» معروف شد و فوراً عده‌ای از موسیقیدانان انجمنی برای حمایت این فرم و تصنیف آثار دیگری در این زمینه تشکیل دادند. در ۱۸۵۶ تالاری مخصوص برای اجرای آن پیا کردند. لیبرتوی بیشتر این آثار از ادبیات فرانسه اقتباس میشد و در میان موسیقیدانانی که در پیشرفت این فرم جدید کوشش کردند باید اول

از همه از توماس برتون (۱۹۲۳ - ۱۸۵۰) نام برد.

بطور کلی باید این موضوع را در نظر داشت که در تمام اروپا بغیر از ممالک آلمانی زبان در قرن نوزدهم توجه موسیقیدانان بیشتر به اپرا و آثار مذهبی معطوف بود و در نتیجه این فرم‌ها به اوج ترقی خود رسید.

موسیقی مذهبی اسپانیا مانند سایر کشورها بدعت‌های مشخص این قرن را نشان می‌دهد. روش «باس شیفره» بکلی از رواج افتاد و در عوض وسعت زیادی به تزئینات ارکستری داده شد. و از کلیه روشهای جدید مکتب رومانسیسم استفاده گردید. الغای کمک هزینه دولتی به نمازخانه‌ها سبب شد که ارکسترهای نمازخانه‌ها به تعطیل گرفتار آید. معیناً آثار مذهبی نسبتاً زیادی بوجود آمد؛ اما این آثار از حیث کیفیت ضعیف و پست بوده و سراسر مملو از تأثیرات اپرای ایتالیائی است. در اواسط قرن «فلیپه پدرا» به احیای صحیح و واقعی این موسیقی مصمم شد و در ۱۸۸۲ مجله «موسیقی مذهبی اسپانیا» را تأسیس کرد و از این راه به پیشرفت این نوع موسیقی کمک نمود. بعد از او عده دیگری از موسیقیدانان با تأسیس مؤسسات مختلف در مادرید و بارسلون به تهذیب و ترویج آن کوشیدند.

در خاتمه مقال بی‌مناسبت نیست که از «فلیپه پدرا» یکی از موسیقی‌شناسان بزرگ اسپانیا در این قرن نامی برده شود.

از جمله کارهای نامبرده چاپ آثار موسیقی دانان قدیمی اسپانیا بانث نویسی جدید تحت نام عمومی «مکتب موسیقی مذهبی اسپانیا» میباشد. بعلاوه وی چهار جلد کتاب بنام «تئاتر آوازی اسپانیا قبل از قرن نوزدهم» و یک جلد فرهنگ تکنیک موسیقی و یک جلد کتاب نیز متضمن بیوگرافی موسیقیدانان اسپانیا که نامشان با حرف «گ» شروع میشود، منتشر کرده است.

ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان

Hispaniae Schola Musica Sacra - ۱

Teatro lirico español anterior al siglo XIX - ۲